

# لعنتِ نسل، راهِ گریزی برای پذیرشِ مسؤولیتِ گناه!

نوشته: کشیش بانئ پال نَتَنِیل

شوربختانه آموزه اشتباهی در زمان حاضر هست که کلیساهای هیجانی و احساساتی را به سیر قهقرایی می‌کشاند و از مسیحیت راست دین منحرف می‌نماید. بر پایه این تعلیم دروغین، مسؤولیت گناه انسان، برگردن لعنتی است که در نسل‌های گذشته وارد خاندان وی شده و بایستی با نهیب دادن، از نسل و دودمان او بیرون گردد. وگرنه، بلایا و گناهان و بیماری‌ها همچنان نسل اندر نسل در خانواده شخص باقی می‌ماند.

پافشاری این آموزه منحرف، روی دو گناه است که البته می‌توان این دو گناه را درحکم زیر بنای دیگر گناهان در نظر گرفت. این دو گناه بر این پایه‌اند: خشم و روابط نامشروع جنسی! البته به تازگی عده‌ای هم پیدا شده‌اند که وجود بیماری‌های ارثی و ژنتیکی و حتی سرطان را به نفرین نسل نسبت می‌دهند.

گمراه شدگان و گمراه کنندگانی که این آموزش نادرست را وارد مسیحیت کرده‌اند، اذعان می‌دارند که مسبب اصلی نفرین نسل، ارواح پلیدی هستند که بنا به انگیزه‌هایی در خانواده شخص قربانی وارد شده و آنجا برای خودشان جا خوش کرده‌اند. از این رو، نفرین نسل اندر نسل از والدین به فرزندان منتقل می‌شود و در خاندان آنها باقی می‌ماند، مگر اینکه دعای مخصوص رهایی بدست کشیشان به اصطلاح کارآموده و زُبده انجام پذیرد تا ارواح پلید از نسل کنونی و آینده شخص بیرون شوند و فرد مزبور از نفرین نسل آزاد گردد.

آنچه در این نوشته می‌خوانید پاسخ کتابمقدس به پیروان منحرف این آموزه نادرست است که برای گریز از پذیرش مسؤولیت گناه، به انگاره نفرین نسل پناه می‌برند و نمی‌دانند که این آموزش در دراز مدت کارساز نیست و دردی را دوا نمی‌کند. خاستگاه این تعلیم نادرست، برداشت نادرستی است که از آیه‌هایی مانند خروج ۲۰: ۵ - ۶؛ اعداد ۱۴: ۱۸ و تثنیه ۵: ۹ می‌شود. در این آیه‌ها می‌خوانیم که خدا می‌فرماید انتقام گناه پدران را از پسران تا نسل سوم یا چهارم از کسانی که او را دشمن دارند خواهد گرفت.

ولی باید توجه داشته باشیم که در این آیه‌ها هیچ‌گونه اشاره‌ای به واژه نفرین نسل نشده است. اگر گرفتن انتقام ایزدی از گناهان پدران را نفرین به حساب آوریم، باز در این آیه‌ها هیچ‌گونه شرطی را مشاهده نمی‌کنیم که بتواند جلوی این انتقام را بگیرد تا به نسل سوم و چهارم پدران گناهکار نرسد. از متن کتابمقدس چنین بر می‌آید که این انتقام حتمی است و بی‌گمان تا نسل سوم یا چهارم ادامه پیدا خواهد کرد. جای پرسش اینجاست که چرا این انتقام شامل نسل پنجم و ششم یا نسلی دورتر نمی‌شود و تنها محدود به دوره ویژه‌ای از نسل پدران گناهکار است؟

محدودیت انتقام ایزدی به نسل سوم و چهارم مایه می‌شود نتیجه بگیریم که خدا برای دوره ویژه‌ای شدت عمل ویژه در خصوص داوری گناهان عده ویژه‌ای از مردم داشته است. به گمان بسیار، می‌توانیم چنین برداشت کنیم که آنچه مد نظر خداست، انتقام گرفتن آنی یا تدریجی از گناهان کسانی است که جزو آن گروه از بنی‌اسرائیل بودند که همراه با موسی از مصر بیرون

آمدند. دامنه انتقام ایزدی تنها در برگیرنده کسانی می‌شد که در آن چهل سال در بیابان هلاک شدند. زیرا از آن دسته از بنی‌اسرائیل که از مصر بیرون شدند، تنها دو تن اجازه یافتند که وارد سرزمین موعود بشوند، ولی بقیه از بیست سال به بالا در آن چهل سال در بیابان هلاک گشتند (اعداد ۱۴: ۲۹-۳۵).

درواقع، مقصود خدا این است که اگر کسی با دیدن معجزات شگفت‌انگیز و برکاتی که در جریان برون‌رفت تیره بنی‌اسرائیل از اسارت مصر واقع شد، با خدا دشمنی می‌کرد و بت‌پرستی را در خانواده‌اش رواج می‌داد، انتقام گناه نابخشودنی او در دوره بیابان از خودش، فرزندش، نوه‌اش و یا نتیجه‌اش گرفته می‌شد. و از میان چنین کسانی تنها نتیجه (نسل چهارم) یا نبره (نسل پنجم) می‌توانست وارد سرزمین موعود بشود.

ولی به آن دسته از بازماندگان نسل چهارم یا پنجم که وارد سرزمین موعود می‌شدند خدا چنین فرمان می‌دهد که «پدران به عوض پسران کشته نشوند، و نه پسران به عوض پدران کشته شوند. هر کس برای گناه خود کشته شود» (تثنیه ۲۴: ۱۶؛ دوم پادشاهان ۱۴: ۶). و این وصیت را موسی در سن ۱۲۰ سالگی اندکی پیش از رحلت خود می‌کند تا آیندگان بدانند که انتقام گرفتن گناه پدران از پسران تا پشت سوم و چهارم تنها مختص کسانی بود که از نزدیک گواه معجزات شگفت‌انگیز خدا در باز کردن دریای سرخ، نابودی فرعونیان، نزول مائده آسمانی و نوشیدن آب گوارا از صخره متحرک به مدت چهل سال در بیابان بودند و با این حال دل خود را در فرمانبرداری از احکام خدا سخت می‌کردند (عبرانیان ۳: ۱۶-۱۹).

ولی با گذشت زمان مسأله انتقام گرفتن گناه پدران از پسران به صورت مثل درآمد به گونه‌ای که در ارمیا ۳۱: ۲۹-۳۲ چنین می‌خوانیم: «و در آن ایام دیگر نخواهند گفت که پدران انگور ترش خوردند و دندان پسران گند گردید؛ بلکه هر کس به گناه خود خواهد مُرد و هر که انگور ترش خورد دندان وی گند خواهد شد. خداوند می‌گوید: اینک ایامی می‌آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست؛ نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم، زیرا که ایشان عهد مرا شکستند.»

تأکید خدا همواره بر این است که هر کس مسؤول گناه خودش می‌باشد. در حزقیال ۱۸: ۲۰ چنین می‌خوانیم: «هر که گناه گُند او خواهد مرد، پسر متحمل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمل گناه پسرش نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خودش خواهد بود و شرارت مرد شریر بر خودش خواهد بود.»

آیا نفرین از راه خون انسان به نسل‌های دیگر منتقل می‌شود؟ خیر. چنین تعلیمی در کتاب مقدس نیست. نه برکت و نه نفرین از راه خون انسان به نسل‌های دیگر منتقل نمی‌شود. اصولاً گناه و نفرین «چیز» نیست که بخواد از راه خون منتقل شود. تنها خانواده‌ای که کاملاً تحت کارایی گناه قرار دارد، خانواده آدامین به مفهوم عام است. یعنی از راه آدم، گناه به تمام نسل‌ها منتقل شده است. این انتقال جنبه همگانی دارد و به گفته‌ای جهان‌شمول است. میل به گناه و سرپیچی از فرمان خداوند در ذات هر انسانی هست به گونه‌ای که سخن خدا می‌فرماید: «لهدا همچنان که به وساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت، به این گونه موت بر همه مردم طاری گشت، از آنجا که همه گناه کردند» (رومیان ۵: ۱۲).

در اعمال رسولان ۱۷: ۲۶ می‌خوانیم که خدا «هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند.» مقصود این نیست که گروه خونی همه مردم با هم یکسان است. بلکه هدف سخن خدا این است که نشان دهد بنی‌آدم اعضای یکدیگر هستند. خون همه قرمز است و از هر نژاد، زبان، فرهنگ و گویش که باشند چون از یک آدم و حوا به وجود آمده‌اند همه آنها در صفات انسانی با هم مشترک می‌باشند. اگر من و شما هم در باغ عدن بودیم و همان آزمایش نخوردن از میوه درخت

ممنوعه را خدا از ما می‌کرد، ما نیز همان نافرمانی را مرتکب می‌شدیم. هر بچه‌ای که به جهان می‌آید، وقتی به سن تشخیص می‌رسد طبیعت گناه‌آلودی را که در ذاتش دارد به بازبینی زمان از خود نشان می‌دهد.

خون انسان تواناست برخی بیماری‌های جسمی را منتقل کند، ولی توانا به انتقال گناه و پلیدکاری و یا حتی نجات و رستگاری به نسل‌های آینده نیست. از این رو، نیازی به بشارت دادن و اصلاح کردن مردم از راه موعظه و آموزش کتابمقدس نبود. چون دیگر همه چیز در خون مردم است و نمی‌شود آن را عوض کرد.

در هیچ جای کتابمقدس نوشته نشده است که نفرین یا روح پلید از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. در هیچ جای کتابمقدس نوشته نشده است که ما درحکم ایمانداران به مسیح، می‌توانیم بایستیم و گناه آبا و اجدادی یا ارواح پلیدی را که از اجداد خود یافتیم دور کنیم و به هاویه بفرستیم. خنده‌دار است هنگامی که بگوییم: «من در اینجا می‌ایستم و روح خشم و کینه‌ای را که از پدرانم یافتیم در نام عیسای مسیح از خودم دور می‌کنم و به هاویه می‌فرستم...»

سه اشتباه بسیار خطرناک و ضد کتابمقدسی در این آموزش هست: نخست اینکه، ما مسیحیان مسؤول گناه یا گناهان والدین خود نیستیم و گناه آنان بر ما قرار نگرفته است (عبرانیان ۱۰: ۱۷). دوم اینکه، هیچ روح پلیدی نمی‌تواند در فرزندان خدا ساکن شود (اول یوحنا ۴: ۴). سوم اینکه، خدا این اختیار را به ما نداده است که ارواح پلید را به هاویه بفرستیم. مسیح هم آنها را به هاویه نفرستاد (مرقس ۵: ۱۳).

اکنون از یک جهت دیگر به قضیه نگاه می‌کنیم. به دیدگاه شما چه کسی نفرین را به وجود می‌آورد، خدا، شیطان یا انسان؟ کتابمقدس به روشنی نشان می‌دهد که تنها خدا می‌تواند نفرین کند و انسان یا شیطان نمی‌توانند و این قدرت را ندارند که نفرین پدید آورند. اگر حتی او اجازه نداده بود، شیطان نمی‌توانست به ایوب صدمه‌ای بزند. آیا انسان می‌تواند جلوی لعنتی را بگیرد که خدا ایجاد کرده است؟

در کتابمقدس دو نوع نفرین داریم: نفرین عام یا پایدار و نفرین ویژه یا گذرا. در نفرین عام بود که خدا، شیطان، آدمی و زمین را نفرین کرد (پیدایش ۳: ۱۴-۱۹) و این نفرین در برگیرنده طبیعت هم شد (رومیان ۸: ۱۹-۲۳). نفرین عام تنها در زمان بازگشت مسیح، برقراری سلطنت هزار ساله و پیدایش آسمان‌ها و زمین جدید به گونه کامل از میان خواهد رفت.

در برخی موارد گناه نفرین ویژه در کتابمقدس هستیم. برای نمونه خدا قائن را پس از کشتن برادرش هابیل نفرین کرد (پیدایش ۴: ۱۱). خدا می‌گوید که هر که ابراهیم یا نسل او را نفرین کند، خودش ملعون خواهد شد (پیدایش ۱۲: ۳). کسانی که شریعت موسی را اجرا نمی‌کردند، ملعون بودند (تثنیه باب‌های ۲۷ و ۲۸). کسانی که ده یک درآمد خود را نمی‌دهند، ملعون هستند (ملاکی ۳: ۹). و هیچ‌یک از موارد ذکر شده در فوق نفرین نسلی نیستند و از راه نهیب دادن و دور کردن و بستن، نمی‌توان از دست آنها رها شد.

اکنون دوباره می‌پرسم: آیا لعنتی را که خدا پدید می‌آورد، انسان می‌تواند از میان ببرد؟ بی‌گمان خیر. خدا خودش باید نفرین را از میان ببرد و یا دست کم راه رهایی از آن را نشان بدهد. نفرین خدا بنا بر روا دید ایزدی زمانی از میان می‌رود که انسان به سوی خدا برمی‌گردد و توبه می‌کند. در آنگاه دیگر انسان زیر نفرین نیست.

یک نمونه در کتابمقدس زندگی روت موآبی است. موآبی‌ها تیره ملعون بودند و هرگز اجازه نداشتند که وارد خیمه پرستش شوند (تثنیه ۲۳: ۳). ولی باور و وفاداری روت موآبی مایه‌ای شد که نه تنها وارد جماعت اسراییل شود، بلکه در زمره نسب نامه مسیح قرار بگیرد و درحکم یک شهروند اسراییلی پذیرفته گردد. او به قدری مادر شوهرش نعومی و تیره اسراییل را دوست

داشت که گفت: «قوم تو، قوم من و خدای تو خدای من خواهد بود» (روت ۱: ۱۶-۱۷). و خدا نفرین را از زندگی روت برداشت و او مبارکِ خداوند شد.

همه ما پیش از باور آوردن به مسیح زیر نفرین بودیم، ولی زمانی که وجودمان را به او تسلیم کردیم از قید هرگونه لعنتی آزاد شدیم. اکنون ببینیم که مسیح برای ما چه کار کرده است:

**مسیح ما را از نفرین شریعت آزاد کرده است** - «مسیح ما را از لعنت شریعت فدا کرد، چونکه در راه ما لعنت شد چنانکه مکتوب است ملعون است هر که بر دار آویخته شود» (غلاطیان ۳: ۱۳).

**مسیح ما را از سیرتِ پدرانمان باز خرید کرد** - «زیرا می‌دانید که خریده شده‌اید از سیرت باطلی که از پدران خود یافته‌اید، نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا، بلکه به خون گرانبها چون خون بره بی‌عیب و بی‌داغ یعنی خون مسیح» (اول پطرس ۱: ۱۸-۱۹).

**در مسیح آفرینش تازه هستیم** - «پس اگر کسی در مسیح باشد خلقت تازه‌ای است، چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه چیز تازه شده است» (دوم قرنتیان ۵: ۱۷).

**در مسیح هیچ‌گونه محکومیتی بر ما نیست** - «پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند، زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه و موت آزاد گردانید» (رومیان ۸: ۱-۲).

**در مسیح برکت ابراهیم را یافته‌ایم** - «تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امت‌ها آید و تا وعده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم» (غلاطیان ۳: ۱۴).

جدِ اصلی ما پس از توفان جهانگیر، نوح است. کتابمقدس در باره او گواهی می‌دهد: «نوح مردی عادل بود و در عصر خود کامل و نوح با خدا راه می‌رفت» (پیدایش ۶: ۹). پدر ایمانی ما نیز ابراهیم است، یعنی در واقع تمام کسانی که به عیسی مسیح باور می‌آورند فرزندان ایمانی ابراهیم می‌گردند. در همان آیه‌هایی که درباره گرفتن انتقام گناه پدران از پسران تا نسل سوم یا چهارم خواندیم، می‌بینیم که گفتگو از رحمت خداوند تا هزاران نسل می‌کند. برای نمونه خروج ۲۰: ۵ - ۶ می‌فرماید: «انتقام گناه پدران را از پسران تا پشت سوم و چهارم از آنانی که مرا دشمن دارند می‌گیرم و تا هزار پشت بر آنانی که مرا دوست دارند و احکام مرا نگاه دارند رحمت می‌کنم.»

خدا این عهد رحمت و برکت را با ابراهیم بست و از این روی در مزمور ۱۰۵: ۸ - ۹ درباره خدا می‌خوانیم: «عهد خود را یاد می‌دارد تا ابدالابد و کلامی را که به هزاران پشت فرموده است. آن عهدی را که با ابراهیم بسته . . .» و خدا به ابراهیم وعده داد: «و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت» (پیدایش ۱۲: ۳). از آنجا که فرزندان ایمانی ابراهیم هستیم، برپایه وعده خدا برکت ابراهیم از آن ماست و در مسیح زیر هیچ‌گونه لعنتی قرار نداریم. کتابمقدس به روشنی شهادت می‌دهد که در حیات الهی شریک هستیم و به زبان دیگر حیات جاودان داریم (اول یوحنا ۵: ۱۲-۱۳).

متأسفانه برخی به اصطلاح کلیساها که شاید بهتر باشد نام انجمن، باشگاه تفریحی یا مرکز فرهنگی روی آنها بگذاریم برای جلب مشتری و آسان جلوه دادن راه تنگ صلیب عیسی مسیح که جهاد با گناه تا به حد ریخته شدن خون (عبرانیان ۱۲: ۴) و انکار نفس لازمه پیمودن آن است، تلاشِ مذبوهانه می‌کنند تا مسؤولیت گناهان هوادارانشان را به گردن اجداد آنها بگذارند.

این به اصطلاح کشیشان و آموزگاران کذب می‌گویند: «اگر شما طلاق گرفتید، چرایی اصلی لعنت طلاق است که در نسل شماست. اگر دستگیرِ خشم هستید، حتماً یکی از اجدادتان دستگیرِ روح خشم بوده است. اگر خود ارضایی می‌کنید، بی‌گمان در

نسل شما این مسأله وجود داشته است. اگر افسردگی دارید، این تقصیر پدر یا مادر یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ یا یکی از نیاکان شماست. اگر دوست دارید دنبال مواد مخدر، خوشگذرانی و عیاشی بروید چرایی این است که در گذشته یکی از اجداد شما این روح را وارد نسل شما کرده است. اگر از جنس مخالف بدتان می‌آید یا به جنس موافق گرایش دارید، باید چرایی را در نسل‌های گذشته‌تان جستجو کنید. اگر روحیه منفی دارید، این تقصیر نسل شماست. اگر غیبت می‌کنید و بدی دیگران را می‌خواهید، خودتان را محکوم نکنید، چون این امر از راه پدران‌تان وارد نسل شما شده است.»

البته اصل پرورش خانوادگی و رفتار والدین در آموزش و تأدیب فرزندان را نباید نادیده گرفت. سلیمان می‌گوید: «طفل را در راهی که باید برود تربیت نما و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید» (امثال ۲۲: ۶). خدا در مورد ابراهیم می‌فرماید: «زیرا او را می‌شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق خداوند را حفظ نمایند» (پیدایش ۱۸: ۱۹).

گاهی فرزندان اشخاص دادگر و درستکار که موافق احکام خدا رفتار می‌کردند، نباب از کار درآمدند. فرزندان ایوب، عیسی، سموئیل و داوود از آن میان هستند. شوربختانه هرچند داوود خودش با خداوند بی‌ریا بود و زندگی مقدسی داشت، ولی آن قدر سرگرم و گرفتار امور حکومت شد که به پرورش همه فرزندان نرسید و به همین دلیل برخی از فرزندان او، شرور و فاسد از آب درآمدند. در کتاب اول پادشاهان ۱: ۶ درباره ادونیا چنین می‌خوانیم: «پدرش او را در تمامی عمرش نرنجانیده و نگفته بود که چرا چنین و چنان می‌کنی؟»

مادر هم در پرورش فرزندان نقش دارد. در دوم تیموتاؤوس ۱: ۵ پولس می‌گوید: «یاد می‌دارم ایمان بی‌ریای تو را که نخست در جدات لوییس و مادرت افنیکی ساکن می‌بود، و مرا یقین است که در تو نیز هست.» ولی در هیچ مورد نمی‌بینیم که کوچکترین اشاره‌ای به برکت یا نفرین نسل شده باشد. و در زندگی برخی از پادشاهان اسرائیل عکس این مطلب را مشاهده می‌کنیم.

برای نمونه آحاز، پادشاه بسیار شروری بود (دوم پادشاهان ۱۶: ۱-۴) ولی پسرش حزقیا چنین نبود (دوم پادشاهان ۱۸: ۱-۸). شوربختانه پسر حزقیا یعنی منسی نباب از کار درآمد (دوم پادشاهان ۲۱: ۱-۹) و نوه حزقیا یعنی آمون نیز همچین (دوم پادشاهان ۲۱: ۱۹-۲۲) ولی در کمال شگفتی مشاهده می‌کنیم که نتیجه حزقیا یعنی یوشیا مرد صالحی بود (دوم پادشاهان ۲۲: ۱-۲). و در این موارد نیز هیچ اشاره‌ای به نفرین یا برکت نسل نشده است.

عزیزان، بیاید از خودفریبی دست برداریم و مراقب گفتار و کردار خود باشیم، زیرا در روز داوری هر یک از ما متحمل بار خود خواهیم بود (غلاطیان ۶: ۵)، حساب هر سخن باطلی را که زده‌ایم پس خواهیم داد (متی ۱۲: ۳۶-۳۷) و بابت اعمال بدنی خود، در مسند مسیح داوری خواهیم شد (دوم قرنیتیان ۵: ۱۰). در آن روز نمی‌توانیم پدران، اجداد و نیاکان خود را مسبب گناهان خودمان بدانیم.

راه رهایی و آزادی از گناه، همان راهی است که کتابمقدس به ما آموزش می‌دهد نه آنچه پیروان نفرین نسل می‌گویند. اعتراف به گناه و تصمیم به ترک آن، راه را برای کار روح‌القدس در زندگی ما باز می‌کند (امثال ۲۸: ۱۳؛ اول یوحنا ۱: ۸-۱۰). هنگامی که برای گناهی که ما انجام می‌دهیم، اجداد یا پدران خود را مسؤول بدانیم، به‌راستی سرگرم پوشاندن گناهان خود هستیم. گناه را نمی‌توان با نهیب دادن، بستن و حتی اعتراف به اصطلاح مثبت، ماست مالی کرد. رساله‌های عهد جدید را به دقت بخوانید، در هیچ جا کوچکترین اشاره‌ای به آموزه نفرین نسل پیدا نخواهید کرد، در برابر متوجه خواهید شد که دعوت ما، جنگ

روحانی با گناه، شهوات نفسانی، انسانیت کهنه و روح شرور است. بیایید در پی سلامتی با همه بکوشیم و تقدسی که به جز آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید (عبرانیان ۱۲: ۱۴).

## **Persian Christian Church**

**P.O Box 27525, Fresno, CA 93729**

Email: [PersianCC@aol.com](mailto:PersianCC@aol.com)

[www.nanezendegi.com](http://www.nanezendegi.com)

[www.youtube.com/persiancc1](http://www.youtube.com/persiancc1)

**Phone: 559.554.3141**